

مطالبی خواندنی دربارهٔ عراق جهت اطلاع - ۲

هفت تیرکش های آمریکایی در بغداد

پاتریس کلود Patrice CLAUDE (روزنامه نگار)

لوموند، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷

ترجمه بهروز عارفی

گارد های بلاک واتر که يك شرکت نظامی خصوصی آمریکائی ست، ۲۸ غیرنظامی را در بغداد به قتل رسانده اند. ۴۸ هزار «سرباز مزدور» در مصونیت کامل از مجازات، عراق را به ستوه آورده اند.

«خوب، بچه ها. راه بیافتیم. من امروز میخوام یکی را بکشم.

– عجب! حالا چرا امروز؟

– هه! هه! آخه فردا میرم مرخصی، دیر میشه.»

آن روز، روی جاده ۱۶ کیلومتری معروف به «جاده مرگ»، که فرودگاه بین المللی بغداد را به مرکز شهر می پیوندد، جاکوب سی واشبورن و همگروه هایش دنبال هدف می گشتند. مدتی بعد، یکی از آن ها برای خبرنگاران واشینگتن پست که این ماجراجویی مرگبار را در ماه آوریل مدون کردند، تعریف کرده بود که «قصد شان فقط تفریح بوده است».

آهان. بین يك تاکسی تلو تلخوران، به فاصله ای دور، پشت يك اتومبیل ضدگلوله که این چهار نفر سرنشین آن اند، آهسته خود را روی زمین می کشد. از مدت ها پیش، عراقی های ماشین سوار می دانند که نباید به اتومبیل های نظامی و کاروان خودروهای بزرگ پرقدرت که شیشه هاشان تیره است و غالباً نمره ندارند و روی جاده های مملکت می تازند، نزدیک شوند.

احمد س. راننده همیشه گی ما اغلب میگفت «اصلاً نمیشود فهمید این ها چند نفر سرنشین دارند». ممکن است که «يك کله گنده» بومی یا خارجی در داخل این اتومبیل ها نشسته باشد که «کابوی های» آماده شلیک محافظتش می کنند. یا این که ممکن است کماندوهای نیمه رسمی وزارت کشور در حال شکار «تروریست» باشند. یا حتی يك وزیر، يك رئیس حزب یا قبیله درون آن باشد که معمولاً با يك جوخه هفت تیرکش خصوصی رفت و آمد می کنند. کسی را نمیتوان یافت که در تقاطع يك چهارراه، با افراد تا به دندان مسلح عراقی یا خارجی که لوله هفت تیرشان راست دماغ طرف مقابل را نشانه گرفته و عجله دارند از شر راه بندان خلاص شوند، شاخ به شاخ نشده باشد، مگر این که از مدت ها پیش پایش به بغداد نرسیده باشد.

واشبورن به شین ب اشمید راننده اتومبیل دستور می دهد «یواش کن!». در گذشته به امثال این چهار نفر می گفتند «سگ جنگی» و حالا می گویند «نظامی خصوصی». این افراد که به عینک تیره، گوشی مدل ماموران سرویس های مخفی چسبیده به گوش، تپانچه آویزان از کشاله ران، جلیقه ضد گلوله از جنس کولار سیاه با آستری از سرامیک که به حد کافی برای مقاومت در مقابل گلوله کلاشنیکوف

ضخامت دارد، مجهز اند، نظامی یا پلیس سابق اند که برای اسکورت «یک مشتری مهم» به فرودگاه می روند.

واشپورن که سابقاً تفنگدار دریائی بوده ۲۹ سال دارد و سرپرست جوخه است. حقوق او ششصد دلار در روز است. او با قد یک متر و ۹۰ سانتیمتر، با بازوانی نیرومند و خالکوبی شده و سری تراشیده از ته و با ریش بزی و هیگلی گنده، دستکش به دست دارد. وی مسلسل ام چهار - عین سلاح های ارتش منظم آمریکا - را در وسط دو صندلی گذاشته است. « صبر کن، بگذار کمی نزدیک بشه، میخوام او را با هفت تیر بزنم». راننده تاکسی پیر مردی است و ظاهراً یک مشتری دارد. چه فرقی می کند. از زمان تهاجم به عراق در آوریل ۲۰۰۳، این کشور حالت «غرب وحشی» را پیدا کرده است. از حمله با اتومبیل های بمب گذاری شده، حملات انتحاری، کشتار های میان فرقه ای، دعوای قبیله ای، تا عملیات و اشتباهات ارتش های آمریکا و انگلستان و سر سپرده هایشان، هر ماه از ۱۲۰۰ تا سه هزار نفر غیرنظامی عراقی، بسته به زمان، در اثر خشونت های مرگ بار در عراق جان می بازند. واشپورن درب طرف خودش را باز کرد و روی صندلی اش دراز کشید، درحالی که بازویش از خودرو بیرون بود. تاکسی نزدیک شد. هفت تیرکش هدف گرفت.

رگبار گلوله شیشه جلو تاکسی را سوراخ سوراخ کرد. تاکسی در کنار جاده متوقف شد. اشمید داد زد: «ناز شستت!»

روشن نشد که آیا دو سرنشین عراقی کشته یا زخمی شدند یا سالم در رفتند. اکثریت غیرنظامیان عراقی که قربانی انواع بدرفتاری و خشونت، خطا، راهزنی، قتل، تجاوز و آدم ربائی های مختلف هستند، حتا شکایت نمی کنند. تازه به کجا شکایت کنند؟ پلیس که تحت نفوذ میلشایی شیعه است شدیداً فاسد است. دادگستری فلج است. حکومت و وزارت خانه هائی که نزدیک سفارت خانه های آمریکا و بریتانیا در ناحیه کذائی « سبز » که همچون دژ نفوذ ناپذیر نگهداری می شود، کز کرده اند، حتا قادر به حفظ خود نیستند. اقتدار آنان به زور شامل ده کیلومتر مربع پیرامون این «ناحیه» می شود.

اگر یکی از اعضای این جوخه که به او ایزیرلی نائوکیدی می گویند و اهل کشور فیجی [جنوب اقیانوس آرام] است، «حالش از آنچه بارها و بارها دیده بود به هم نمی خورد»، و بدنبال آن تصمیم به استعفا و گشودن زبانش نمی گرفت، تردیدی نیست که ماجرای آدم کشی جاکوب س واشپورن، هرگز آفتابی نمیشد. واشپورن و دو همدستش که کارمند شرکت تریپل کانوپی Triple Canopy (یکی از ۱۷۷ «شرکت نظامی خصوصی» SMP) هستند در عراق، «هنرمائی» می کنند، این سه نفر، منکر همهء ماجرا شده و بدون محاکمه مرخص شدند. اما مسلماً ماجرا به همین جا ختم خواهد شد.

از آوریل ۲۰۰۳، ارتش آمریکا چند صد نفر از نظامیاناش را به اتهام همه جور فسق و فجور و رذالت پای میز محکمه نظامی کشانده است، از جمله ۶۴ نفر را به جرم قتل. اما بر عکس، هیچکدام از ۴۸ هزار «سرباز مزدور» دارای ملیت های مختلف که در عراق جولان می دهند، هرگز برای پاسخگوئی به هیچ دادگاهی کشانده نشده اند. در سال ۲۰۰۶، قانونی به تصویب کنگره آمریکا رسید که ظاهراً همه «افراد دارای قرارداد نظامی خصوصی» را مشمول همان قوانینی می کند که ارتش آمریکا ملزم به آن است. اما، پیتر سینجر، پژوهشگر و کارشناس انستیتوی بروکلین اظهار میدارد که مقررات پیاده شدن آن لایحه «هرگز توسط دولت بوش تدوین نشده است».

چارلز ل شپارد، سومین شاید دار و دسته بوشپورن توضیح داد: «هر وقت از مسئولانمان درباره این موارد می پرسیدیم، می گفتند: بی خیالش!، اگر عراقی ها دنبال دردسر و دعوا با ما باشند،

نیمه شب ما را از کشور بیرون می برند». همه افراد تابع این قرار داد، طبعاً جانی و تبهکار نیستند ولی اینکه تا کنون چند نفر از آنان را در پی ارتکاب اعمال خلاف از عراق بیرون برده اند، هیچکس نمیداند. عراق جنگل بی قانونی شده است که در آن، قانون با کسی است که سلاح بیشتر و یا پول بیشتر دارد.

آیا، هرگز روشن خواهد شد که چگونه سر ظهر روز یکشنبه ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷، تعداد ۲۸ غیرنظامی عراقی در مرکز بغداد بدست محافظان «خصوصی» که چند دیپلمات آمریکائی را همراهی می کردند کشته شده اند؟ بلاک واتر Blackwater مانند شرکت های دین کورپ و تریپل کانوی، یک «شرکت نظامی خصوصی» ست که در سال ۲۰۰۳ در مناقصه، وزارت خارجه آمریکا برای تأمین حفاظت از سیصد دیپلمات آمریکایی در عراق برنده شده است (یادآوری می کنیم که در راس این دیپلمات‌ها، رایان کروکر سفیر آمریکا قرار دارد که هرگز بدون نگهبانان قلدر خصوصی اش از خانه خارج نمیشود). در رابطه با کشتار یاد شده، بلاک واتر اعلام کرد که کاروان «به شلیک تیر پاسخ» داده است.

نوری المالکی، نخست وزیر عراق، با توجه به یک بررسی ابتدائی گفت که این روایت را قبول ندارد. به عقیده او، خطاهائی که «مزدوران خارجی علیه غیرنظامیان بیگناه مرتکب شده اند از «حد گذشته» است، و این «هفتمین حادثه» ای ست که بلاک واتر می آفریند و در نتیجه امتیاز کار آن شرکت در عراق «لغو» می‌شود و بیش از هزار کارمند آن در عراق، در جریان «بازبینی عمومی فعالیت همه» شرکت های نظامی خصوصی خارجی» از این کشور «اخراج» می‌گردند. پس از بیست و چهار ساعت، و بدنبال تلفن وزیر امور خارجه آمریکا، کوندولیزا رایس، و «معذرت» خواهی و تعهد «بررسی جدی مشترک» در مورد حادثه از طرف وی، دیگر نه صحبتی از اخراج شد و نه الغای قرار داد.

بنا به گفته جرمی اسکاهیل که درباره این شرکت، کتابی تحت عنوان «بلاک واتر: ظهور نیرومند ترین ارتش مزدور» * نوشته است، بلاک واتر قراردادی ۸۰۰ هزار دلاری با واشنگتن بسته و دارای بیست هزار «سرباز» و ۲۰ هواپیما و هلیکوپتر در کارولینای شمالی ست و بدین ترتیب، «نیرومند ترین شرکت نظامی خصوصی جهان» است. اریک پرینس، صاحب میلیاردر بلاک واتر کمک مالی بزرگی به کارزار انتخاباتی دولت بوش کرده است. این بنیادگرای مسیحی صاحب نفوذ بسیاری ست. اما، دست کم به دو دلیل تردید وجود دارد که دادگستری عراق بتواند مسئولان کشتار یکشنبه را به دادگاه بکشاند. ابتدا، بیاد بیاوریم که پل برمر هنگامی که فرماندار آمریکائی عراق بود پیش از عزیمت خویش در ژوئن ۲۰۰۴، بخشنامه ای صادر کرد (با شماره ۱۷) که بموجب آن، همه کارکنان غیرنظامی هریک از شعبات حکومت فدرال آمریکا در عراق از مصونیت کامل در برابر دادگاه های محلی برخوردار اند [در ایران معروف است به کاپیتولاسیون] و هیچ دولتی در عراق زحمت الغاء این بخشنامه را بخود نداده است.

حال آنکه به عنوان دلیل دوم باید گفت که دولت آمریکا ۱۳۷ هزارنفر «سرباز پیمانی» جهت مأموریت در عراق استخدام کرده که ۲۱ هزار نفر شان آمریکائی هستند. این تعداد میان نهادهای زیر یعنی وزارت خارجه، وزارت دادگستری و وزارت امنیت داخلی، سیا و اف بی آی، ماموران مختلف فدرال که مأمور بازسازی عراق هستند و بالاخره وزارت دفاع (پنتاگون) تقسیم شده اند. پنتاگون به تنهایی ۷۸۰۰ «نظامی خصوصی» برای محافظت از انبارهایش، تعمیر تجهیزات، مراقبت از محموله های خواربار و تجهیزات، آموزش سربازان و پلیس عراق، حفاظت زندان ها، بازجویی از زندانیان استخدام کرده است (اضافه کنیم که در رسوایی اعمال شکنجه در زندان ابوغریب، چند تن از همین «خصوصی» ها متهم شدند ولی برای هیچکدام شان نگرانی ای پیش نیامد). گفتنی ست که تقریباً یک سوم این افراد «سربازانی» هستند که در سایه می‌جنگند، جنگی مخفی، جنگی متعلق به خودشان.

خود ارتش آمریکا، اکنون دارای ۱۶۸ هزار سرباز در محل است. اما، افکار عمومی آمریکا و

اپوزیسیون از حزب دموکرات خواستار بازگشت هر چه زودتر «فرزندان» خود هستند. ژنرال دیوید پتراس، فرمانده نیروهای آمریکایی قول داده است که ۳۰ هزار سرباز کمکی اعزامی به عراق تا تابستان آینده به خانه هایشان برخواهند گشت.

در حالی که کولین پاول، وزیر خارجه پیشین معتقد بود که برای شروع حمله، تعداد سربازانی معادل دو برابر کنونی ضروری است، بارها گفته است: «ما هرگز باندازه کافی سرباز نداشتیم تا بتوانیم ثبات کشور را تضمین کنیم، بازسازی آن پیشکش!». ۴۸ هزار مزدور که در بغداد «پی اس دی» (Personal Security Details یعنی گروه امنیت خصوصی) نامیده می شوند، بیش از دو لشکر را تشکیل می دهند. هیچکس نمی تواند گمان کند که میتوان آن ها را با سربازان منظم جایگزین کرد. برای ماجراجویان امنیتی، عراق تا مدت های دراز دیگر حکم الدورادو (سرزمین خیال انگیز) را خواهد داشت.

عنوان اصلی مقاله:

Pistoleros à Bagdad, Patrice CLAUDE ; Le Monde 24 sept 2007

*Jeremy Scahil, Blackwater : The Rise of the Most Powerful Mercenary Army, Nation Books/Avalon